



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۴۰۲، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۵۹-۴۴۱

بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی بر مطالبات سیاسی کاربران

(مطالعه مقایسه شبکه تلگرام و اینستاگرام)

دکتر فرهاد حمزه^۱، محمد اخباری^۲، محمود مجتهدی نجفی^{۳*}

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه جغرافیا، تهران، ایران، Geofarhad77@yahoo.com

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه جغرافیا، تهران، ایران، Dr.m.akhbari@gmail.com

۳- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه جغرافیا، تهران، ایران، m.n.moj1402@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین فعالیت کاربران در شبکه های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام و مطالبات سیاسی آنان در شهرهای تهران و قم به عنوان پایتخت های سیاسی- اقتصادی و فرهنگی- مذهبی کشور انجام شده است. این مطالعه با استفاده از روش ترکیبی شامل مطالعه کتابخانه ای و پیمایش با استفاده از ابزار پرسشنامه، انجام شده است. اعتبار پرسشنامه با روش اعتبار صوری و پایایی آن به وسیله آلفای کربنباخ محاسبه شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه کاربران عضو شبکه های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام بالای ۱۵ سال ساکن شهرهای تهران و قم می باشند که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران ۷۶۸ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. نتایج این تحقیق نشان دهنده ارتباط معناداری بین دو متغیر میزان فعالیت در شبکه های اجتماعی و مطالبات سیاسی کاربران و میزان آماره اسپیرمن در سطح معناداری ۹۵ درصد ۰.۵۹ می باشد که نمایانگر رابطه مستقیم و در حد متوسط می باشد. کاربران بر اساس خاصیت دوران مدرن دائماً در حال بازاندیشی مطالبات سیاسی خود و سطح مورد انتظار آنها می باشند و به منظور حفظ تعادل سیاسی لازم است نظام سیاسی، دائماً این مطالبات را رصد نماید و پاسخ مناسبی را به آنها ارائه دهد.

کلیدواژه ها: شبکه اجتماعی - فضای مجازی - مطالبات سیاسی - بازاندیشی - تلگرام - اینستاگرام

مقدمه

در عصر حاضر، شبکه‌های اجتماعی از بانفوذترین فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی هستند که همه ابعاد زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده‌اند. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند. چرا که این رسانه‌ها بدون محدودیت می‌توانند به انتشار اطلاعات درست و نادرست بپردازند و به همین دلیل فضاهای عمومی جدیدی را برای جامعه ایجاد کنند و جامعه را از این حیث دچار تغییر و تحولات عظیمی نمایند و نظام سیاسی حاکم را نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه نمایند. چرا که انتشار اخبار و اطلاعات متعدد و گاه متناقض می‌تواند مطالبات سیاسی فراوانی را برای کاربران به همراه داشته باشد و در صورت عدم ارائه پاسخ مناسب به این مطالبات از سوی نظام سیاسی، زمینه بروز رفتارهای اعتراضی و خشن در جامعه ایجاد شود. شاید بتوان بارزترین نمونه‌های این تحولات را در بروز انقلاب‌های سیاسی در برخی کشورهای عربی نظیر تونس مشاهده کرد که نقش شبکه‌های اجتماعی در بسیج سیاسی و انتشار اطلاعات و اخبار انقلاب بسیار پررنگ بود.

این رسانه‌ها با در دست گرفتن افکار عمومی، نظارت و هدایت آن، نقشی جدی در عرصه قدرت بازی می‌کنند و با توجه به عمومیت یافتن آنها در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند. این شبکه‌ها منجر به خلق فضاهای عمومی جدیدی شده‌اند و حتی جامعه سیاسی نیز به شدت از این تعامل، دستخوش تحول شده است. به تبع این تغییرات حاصل شده، کاربران این شبکه‌ها از این تحولات نیز تاثیر می‌پذیرند و رفتارهای سیاسی آنها نیز متأثر از اطلاعات و اخبار منتشر شده در این شبکه‌ها، دچار تغییرات عمیقی شده است که بررسی این رفتارها و تغییرات حاصل شده، به عنوان رسالت پژوهشی رساله حاضر مطرح می‌باشد.

طرح و بیان مساله

از زمانی که متغیرهای ذهنی-ارزشی جامعه توانسته‌اند نقش مهمی در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه به طور عام بازی کنند و از سوی دیگر به طور خاص بر رفتارهای سیاسی بازیگران تاثیرگذار باشند، نقش ارتباطات و رسانه‌ها به عنوان یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند بر شکل دهی و جهت‌دهی به افکار عمومی و باورهای سیاسی کنشگران موثر باشد، برجسته شد و میزان تاثیرگذاری آنها به مرور زمان و با پیشرفته شدن جوامع، بیش از پیش شد. این رسانه‌ها در حال حاضر از طریق تولید محتوا توانسته‌اند افکار عمومی را تحت کنترل و هدایت خود

درآوردند و از طریق بسیج آنها نقش مهمی در عرصه قدرت بازی می‌کنند. به خصوص که در حال حاضر این رسانه‌ها از نظر تعداد و کیفیت تنوع زیادی پیدا کرده‌اند و طیف گسترده‌ای از رسانه‌های دیداری، شنیداری، مکتوب و الکترونیکی را در برمی‌گیرند که هر یک مخاطبان خاص خود را دارا می‌باشند.

با شکل‌گیری تحولات گسترده در زمینه اطلاع‌رسانی و برقراری ارتباطات در فضای مجازی، این فضا به عنوان یک رسانه و در نقش حلقه واسط و اتصال دهنده نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی در جامعه عمل می‌کند. در چنین شرایطی، افزایش کمی و کیفی تقاضای دسترسی به فناوری‌های نوین ارتباطی برای دریافت خدمات، اطلاعات و اطلاع‌رسانی و برقراری تعاملات فیما بین، روش‌های ارتباطی و کار و زندگی آدمی را تحت تاثیر خود قرار داده است.

امروزه شبکه‌های اجتماعی به ابزاری حیاتی برای عملکرد مردم‌سالاری مبدل شده‌اند. در حال حاضر این رسانه‌ها به طور فزاینده‌ای در میان سیاسیون و سازمان‌های سیاسی در حال تبدیل شدن به ابزاری برای انتقال پیام‌های سیاسی، شناخت نسبت به رأی دهندگان، شناخت نیازها، ارتباط با عموم مردم، توسعه و گسترش مطالبات سیاسی شهروندان می‌باشند و به مثابه مکانیسمی عمل می‌کنند که از خلال آن شهروندان نحوه ورود و همکاری در فرآیند مردم‌سالاری را یاد می‌گیرند. این شبکه‌ها با توجه به گسترش روز افزون خود، ظرفیت و توان شکل‌گیری حوزه عمومی مجازی را دارا بوده و کاربران آنها می‌توانند از طریق این شبکه‌های اینترنتی باعث شکل‌گیری افکار عمومی شوند. به عبارت دیگر نظرات کاربران شبکه‌های اجتماعی می‌تواند با ایجاد فضای گفتگو بین افراد و در نهایت شکل دادن به افکار عمومی، منجر به شکل‌گیری نهاد مدنی مجازی شود. از سوی دیگر برخی محققان معتقدند که استفاده شهروندان و مخصوصاً افراد جوان از چنین رسانه‌هایی باعث ایجاد محیط نمادین و سمبولیک می‌شود که به افراد کمک می‌کند تا آنان تجارب در حال گذار و تغییر خود را در مدل‌ها و چارچوب‌های شناختی خاصی پردازش کنند و این امر باعث می‌شود تا افراد در تصمیم‌گیری‌ها و ارزیابی‌های خود بهتر و با امیدواری بیشتری عمل کنند.

شبکه‌های اجتماعی با فراهم ساختن انبوهی از اطلاعات و داده‌ها در خصوص نظام‌های سیاسی و جوامع و فراهم ساختن امکان مقایسه بین جوامع از طریق بحث‌های گروهی کاربران، زمینه ایجاد فضای گفتگومانی را تشکیل داده‌اند که در نهایت منجر به شکل‌گیری مطالبات و تقاضاهای سیاسی جدیدی شده است و از این حیث نظام‌های سیاسی را تحت تاثیر خود قرار داده‌اند. به عنوان مثال آزادی‌های زنان در خصوص مساله حجاب، نابرابری‌های موجود در اجتماع، مسایل مربوط به کودکان و خانواده، بحث‌های مربوط به محیط زیست و آزادی‌های مدنی از جمله مطالباتی است که در جامعه ایران به تازگی سربرآورده‌اند و در رشد این مطالبات، نقش شبکه‌های اجتماعی غیرقابل انکار است.

بوده^۱ و همکاران (۲۰۱۴) شبکه‌های اجتماعی مجازی را موجب ترغیب مردم به اظهار نظر سیاسی می‌دانند که مسیر جدیدی از طرح مطالبات سیاسی را برای آنان باز نموده است. روبن انیکولوپوف^۲ و همکاران (۲۰۱۶) رسانه‌های اجتماعی را موثر بر فعالیت معترضان و طرح تقاضاهای آنان می‌دانند. از دیدگاه جوست^۳ و همکاران (۲۰۱۸) شبکه‌های اجتماعی از طریق تسهیل در تبادل اطلاعاتی، موجب هماهنگی فعالیت‌های اعتراضی، مطرح نمودن مطالبات و تقاضاهای جدید و کشگری سیاسی غیرمعارف کاربران می‌شوند. احمد و اتفاق^۴ (۲۰۱۹) نقش آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی شبکه‌های اجتماعی را در رفتارهای سیاسی جدید و نوظهور کاربران موثر می‌دانند. اسپینوسا^۵ (۲۰۲۰) اطلاع‌رسانی شبکه‌های اجتماعی را در میل به اعتراض سیاسی و طرح مطالبات و خواسته‌های سیاسی کاربران موثر می‌داند. کیم و کیم^۶ (۲۰۲۱) استفاده از شبکه‌های اجتماعی را به صورت غیرمستقیم بر قصد رای دادن افراد موثر قلمداد می‌کنند. زومر^۷ (۲۰۲۲) استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را موجب درگیری بیشتر کاربران با فضای سیاسی کشور و ظهور مطالبات جدید قلمداد نموده است.

در مطالعه حاضر با توجه به گستردگی شبکه‌های اجتماعی و تنوع آنها به سراغ شبکه‌هایی رفته‌ایم که بیشترین کاربر را در ایران به خود اختصاص داده‌اند که بر اساس آخرین مطالعات انجام شده دو شبکه تلگرام با ۴۹ میلیون کاربر و شبکه اینستاگرام با ۴۸ میلیون کاربر، در صدر شبکه‌های اجتماعی مورد علاقه کاربران ایرانی هستند و سوال اصلی تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که دو شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام چه تاثیری بر مطالبات سیاسی کاربران در محیط‌های جغرافیایی ناهمگن (شهرهای تهران (پایتخت سیاسی) و قم (پایتخت مذهبی)) دارند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما به شمار می‌آیند و بر اساس نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط موسسه پژوهشی پیو^۸ ۷۳ درصد کاربران اینترنت در جهان، از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرده‌اند، می‌توان گفت که عمومیت یافتن این شبکه‌ها و میزان استفاده زیاد از آنها توسط کاربران، نگاه‌ها را به سمت این شبکه‌ها معطوف می‌کند که نشان دهنده نقش بالای آنها در تاثیرگذاری بر مطالبات و تقاضاهای سیاسی کاربران می‌باشد.

¹ Bode

² Ruben Enikolopov

³ Jost

⁴ Ahmad and ittefaq

⁵ Espinosa

⁶ Kim and kim

⁷ Zomer

⁸ Piuo

از سوی دیگر با توجه به آنکه شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اطلاع‌رسانی گسترده و انتشار اخبار متعدد ملی را، می‌توان مهم‌ترین مبنای همبستگی ملی و در نتیجه کنش جمعی ملت دانست، چالش‌های پیش روی آن، به ویژه در کشورهای متنوع مانند ایران، می‌تواند بحران‌های جدی به بار آورد و زمینه تفرق و جدایی گروه‌های مختلف باشد و از طریق فراهم ساختن بستر مقایسه‌های اجتماعی، زمینه سربرآوردن مطالبات متعدد سیاسی نظیر مطالبات قومی، حزبی و ... را فراهم سازد که بررسی این مقوله در زمره ضرورت‌های انجام این پژوهش است.

از سوی دیگر تاثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر بروز رفتارهای اعتراضی و کنشگری سیاسی نیز مساله مهمی تلقی می‌شود که می‌تواند به عنوان یک ضرورت پژوهشی تلقی شود. در کشور ایران نیز که در دهه اخیر رفتارهای اعتراضی و خشونت باری نظیر اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ و وقایع آبان ۱۳۹۸ رخ داده است و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در بروز و تشدید این رفتارها داشته‌اند، بررسی تاثیرات این شبکه‌ها بر مطالبات سیاسی و نوع کنشگری کاربران در حکم نوعی ضرورت در نظر گرفته می‌شود. همچنین سایر ضرورت‌های پژوهشی مقاله حاضر را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی با نگرش ژئوپلیتیکی از جمله مهمترین مولفه‌های قدرت، در صحنه روابط بین‌الملل هستند. این عامل به عنوان یکی از مهمترین عناصر قدرت نرم، نقش مهمی در میزان همراه‌سازی دیگران در تحقق اهداف و منافع ملی کشورها دارد و لاجرم باید اهمیت این موضوع مورد توجه جدی قرار گیرد.
- شبکه‌های اجتماعی مجازی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده و زمینه‌های تاثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند و دولت‌ها را با مطالبات و تقاضاهای متنوعی مواجه نموده‌اند که در مواردی این مطالبات با چالش‌های فراوانی همراه است.
- در کشور ایران در اثر رشد شتابناک تکنولوژی‌های ارتباطی و در نتیجه ارتباط فزاینده امر سیاسی و فضای مجازی، رسانه‌های اجتماعی بستری برای طرح مطالبات متنوع اقشار مختلف مردم و حتی زمینه‌ای برای سازماندهی تجمعات و اعتراضات خیابانی شده‌اند.
- با توجه به اینکه در حال حاضر در یک فضای پیچیده اطلاعاتی قرار داریم که بر روی شهروندان و کاربران تاثیر زیادی به جای می‌گذارد و می‌تواند سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشور را دچار تغییرات اساسی نماید، شناخت این فضا و تاثیرات آن بر روی مطالبات و خواسته‌های سیاسی کاربران در حکم نوعی ضرورت پژوهشی تلقی می‌شود که این پژوهش به آن می‌پردازد.

- انجام چنین مطالعاتی سیاستگذاری در زمینه شبکه‌های اجتماعی مجازی را بر حسب سطح توسعه یافتگی مناطق مختلف جغرافیایی کشور فراهم آورد. این مطالعه با شناسایی و مقایسه مطالبات سیاسی کاربران در دو منطقه جغرافیایی، می‌تواند مسیر تحولات این پدیده را برای تصمیم‌گیری بهتر سیاستگذاران محلی فراهم آورد.

مطالبات سیاسی

پیش از هر گونه بحث در خصوص مطالبات، لازم است ابتدا به مفاهیم نیاز و خواسته پرداخته شود تا ضمن مشخص شدن فضای مفهومی، چارچوب بررسی مطالبات سیاسی واضح‌تر شود. واژه نیاز^۱ و ایده آن ابتدا به ترتیب در مباحث روان‌شناسی اوایل دهه ۱۹۳۰ و در روان‌شناسی تجربی برای سازماندهی مطالعات انگیزش به کار گرفته شد. در حقیقت، منظور از آن تغییری بود که رفتار خاصی را در فرد برمی‌انگیخت. در این مطالعات، نیاز در محیط فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی به صورت نیازهای معنایی یا خواست متجلی می‌شود. به همین دلیل در پاره‌ای از نوشته‌ها نیاز را با انگیزه^۲، خواست، تمایل و آرزو مترادف دانسته‌اند.

در نظر عامه، نیاز به معنای هرنوع کمبودی است، که برای انسان به وجود می‌آید. معانی موجود در منابع مرجع روان‌شناسی، نیاز را به مفاهیمی چون خواسته، آرزو و آرمان، توقعات، میل و انتظارات، اطلاق کرده‌اند. نیاز، به عنوان عیب و نقص نیز تعریف شده است و نیز حالتی است که در کلیه مراحل یادگیری وجود دارد. در فرهنگ‌های اقتصادی، "نیاز" را معادل خواست، تمایل، احتیاج، تقاضا و مصرف بیان کرده‌اند و عموماً نیاز، عاملی برای استفاده بیشتر از کالا در جامعه است. در اصطلاح فنی مدیریت، نیاز به معنی نوعی کسر و کمبود روانی و فیزیولوژیکی است؛ که می‌تواند دستاورد خاصی را جذاب نماید (راینز، ۱۴۰۰: ۷۲). می‌توان گفت: «نیاز کمبودی است که توسط فرد احساس می‌شود و وجود نیاز موجب می‌شود فرد درصدد پیدا کردن راهی جهت رفع آن برآید.

موجود زنده به عنوان یک سیستم، دارای خصلت تعادل حیاتی است. این مفهوم، بدین معنی است که موجود زنده تمایل دارد، بر ناپایداری درونی خود که به هر ترتیبی عارض شود، چیره گشته و بار دیگر، تعادل حیاتی را به خویش بازگرداند. به هم خوردن تعادل بین برخی از مواد موجود، مکانیسم‌هایی مانند گرسنگی و تشنگی را موجب می‌شود و هرگونه دور شدن حالت فیزیولوژیکی موجود زنده از وضع بهینه و کنش در جهت رسیدن به آن، با مفهوم نیاز معرفی می‌شود. غیر از نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای دیگر از جمله نیازهای روان‌شناختی، توجه نظریه پردازان را به خود معطوف داشته و الگوهای آنان بحث گسترده‌ای در نوشتارهای انگیزش را به خود اختصاص داده است.

¹ Needs

² Motivation

پس از بررسی مفاهیم نیاز در علوم روان‌شناسی، در تئوری خودتصمیمی^۱، نیازهای معنایی در قالب مفهوم نیاز در علم بیان شد. از دیدگاه این تئوری، بین هدف‌ها یا دستاوردها و روند نظارتی، که دستاوردها دنبال می‌کنند، تفاوت وجود دارد و تمایز محتوا و روش، مهم قلمداد می‌شود. یعنی انگیزش یا همان روش با خواست و نیاز متفاوت است. بر اساس تئوری خودتصمیمی، نیازها نیز با خواست‌ها تفاوت دارند. این تئوری مبتنی بر این باور است که اگر نیازهای فیزیولوژیکی ارضا نشوند، انسان هر راه دیگری را برای ارضای آن دنبال می‌کند، اما اگر خواست ارضا نشود، شخص اصرار دارد تا به همان صورتی که می‌خواهد آن را به دست آورد. بنابراین، خطر برآورده نشدن خواست بسیار بیشتر از نیاز است. در این نظریه اذعان می‌دارند که گر چه بسیاری از رفتارها برای ارضای نیازهای اساسی است، اما بدان معنا نیست که تجربیات انسان‌ها تنها برای ارضای نیازهای معقولشان باشد، بلکه آنها ممکن است کاری را انجام دهند که برایشان جالب و یا ارزشمند است. نظریه‌پردازانی نیز در علم روان‌شناسی مفهوم نیازهای معنایی یا خواست را یک حقیقت علمی شناخته و سعی کرده‌اند آن را تعریف و تبیین کنند. چنانچه اسکینر^۲ نیازهای روحی را بازشناخت و اذعان داشت که عملکرد انگیزه‌های روحی به تشویق بستگی ندارد، زیرا انجام آن کار به خودی خود برای فرد جایزه محسوب می‌شود و او این انگیزش‌ها را همان نیازهای روحی - روانی می‌داند.

آلدرفر^۳ نظریه‌پرداز دیگری است که خواست را مفهومی علمی در ساختار پژوهشی خود معرفی و بیان می‌کند. او در تحقیق خود، نیازهای معنایی را با واژه‌ای بیان می‌دارد. او این واژه را مترادف با ترجیحات، خواسته، قدرت نیاز و قدرت انگیزش قلمداد می‌کند.

فردریک هرزبرگ^۴ نیازها را به دو دسته تقسیم می‌کند: نیازهای زیستی که اجتناب از درد و محرومیت است و نیازهای انسانی که برای رشد روانی لازم است.

الکساندر^۵ نظریه‌پرداز دیگری است که نیازهای معنایی را در تئوری خود بیان می‌کند و آن را بر اساس آزمودن نظریه مازلو شکل داده است. به زعم وی نیازهای انسان‌ها دو دسته هستند: حفظ‌کننده^۶ و سازنده^۷. او بر این باور است که هدف از تعادل حیاتی که در نتیجه رفع نیازهای حفظ‌کننده حاصل می‌شود، حفظ موجود زنده است و زندگی حیوانی را تامین می‌کند. انسان بر خلاف حیوان به وضع موجود قانع نیست، بلکه در زندگی خواه و ناخواه برای خود نیازهای تازه که سازنده نیز هستند، ایجاد می‌کند. در این حالت دچار تنیدگی می‌شود و آن گاه برای رفع آن تنیدگی به کوشش و تکاپو می‌پردازد. بنابر نظریه فوق، نیازهای سازنده همواره انسان را دچار تنیدگی می‌کنند و اگر این تنیدگی در انسان بیش از حد باشد، در زندگی او نه تنها سازندگی پیش نمی‌آید، بلکه تخریب نیز صورت می‌گیرد.

¹ Self Determination Theory

² Skinner

³ Alderfer

⁴ Frederick Irving Herzberg

⁵ Alexander

⁶ Conservative needs systems

⁷ Constructive needs systems

به نظر روان‌شناسان تعریف کامل نیازها، بیان هنری الکساندر ماری^۱ است. وی نیاز را این گونه تعریف می‌کند: نیرویی که از ذهنیات و ادراک آدمی سرچشمه می‌گیرد و اندیشه و عمل را چنان تنظیم می‌کند که فرد به انجام رفتاری می‌پردازد تا وضع نامطلوبی را در جهتی معین تغییر دهد و حالت نارضایتی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل نماید. در اینجا نیز به خوبی مشهود است که تعریف نیاز از دید روان‌شناسان، به تعبیری آمیزه‌ای از مفهوم خواست و نیاز است و هر دو مفاهیم خواست و نیاز را با هم در بردارد. بنابراین شاید بتوان چنین ذکر کرد که در تمام مسیر علم روان‌شناسی، مفهوم خواست در دل تعریف نیاز نهفته بوده است (اختیاری، ۱۳۹۱: ۳۵).

بر اساس تعاریف ارائه شده در بالا مشخص می‌شود که مفهوم مطالبه، با خواسته مترادف است و معنای واحدی از آنها به ذهن متبادر می‌شود. مبنای خواسته‌ها نیز در عصر حاضر تا حد زیادی ناشی از تبلیغات و رسانه‌های نوین هستند که به ذهنیات افراد شکل می‌دهند و تمایل دارند آنها را به شکل واحد و یکسانی درآورند. برخی از این مطالبات نیز ناشی از مقایسه‌های اجتماعی است که توسط افراد صورت می‌گیرد و بر اثر این مقایسه‌ها، مطالبه آنها شکل می‌گیرد. در واقع رسانه‌ها با استناد به حقوق سیاسی افراد، خواسته‌های سیاسی را در افراد شکل می‌دهند و ممکن است آنها برای رسیدن به این مطالبات، به اقدام عملی و حتی خشونت نیز دست بزنند.

حقوق سیاسی، بخشی از حقوق بشر است که به حقوق انسان‌ها در حوزه سیاست می‌پردازد و اموری از قبیل حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی و حق آزادی‌های سیاسی را شامل می‌شود. حق تعیین سرنوشت و مقدرات سیاسی مهمترین حقوق سیاسی است. اسلام به عنوان یک نظام مردم سالار، حقوق سیاسی متقابل مردم و حکومت را به رسمیت شناخته و آن را به اشکال مختلف پذیرفته است. مهمترین حقوق سیاسی شامل حق تعیین سرنوشت، حق شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی‌ها، حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، حق دسترسی شهروندان به مناصب دولتی، حق انتقاد و اعتراض، حق عزل، حق انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاستگذاری عمومی و حق برخوردار از آزادی‌های سیاسی، حق برخورداری از آزادی بیان و آزادی احزاب می‌باشد. هر یک از این حقوق در صورت تامین از سوی دولت، ابزار اعمال نظارت مردم بر دولت نیز می‌باشند (کاظم زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۸). این حقوق به مرور زمان با افزایش دانش و آگاهی افراد، فعالیت رسانه‌ها، تبلیغات، ارتباطات و تعامل با سایر کشورها و ... تبدیل به خواسته‌ها و مطالبات مردمی شده است و افراد انتظار دارند دولت همانند سایر دولت‌ها این حقوق را محترم شمرده و به مطالبات آنها پاسخ مثبت بدهد.

¹ Henry Alexander Murray

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مطالبه، خواسته‌ای آگاهانه است که از یک نیاز برمی‌خیزد و از سوی افراد جامعه در قبال خود، خانواده و جامعه درخواست می‌گردد. وقتی این مطالبه شکل سیاسی به خود می‌گیرد که افراد زیادی، گروه‌های حقیقی، حقوقی و در سطح وسیع، طرح و با یک هویت جمعی آمیخته شود، می‌توان به آن مطالبه سیاسی اطلاق نمود. به عبارت دیگر مطالبه سیاسی حق شهروندی است که هر فرد به عنوان عضوی از جامعه انتظار آن را دارد و به عنوان احقاق منزلت سیاسی‌اش، آن را خواهان است. همان چیزی که در باور کالینز^۱ نمودار است و معتقد است زندگی اجتماعی از افرادی تشکیل شده است که به دنبای ارضای نیازها و خواسته‌هایشان هستند (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

ظهور گروه‌های اجتماعی جدید و شکل‌گیری هویت‌های تازه در فضای مجازی و به واسطه فناوری اطلاعات، باعث شده تا تفسیر و درخواست‌های افراد از دنیای اطراف در قالب‌های متفاوتی شکل بگیرد (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹). در فضای جدید افراد تصور متفاوتی درباره جهان اجتماعی و سیاسی خود دارند، با معیارها و خط‌مشی‌های متفاوتی آن را ارزیابی می‌کنند، خواسته‌ها و آرزوهای دیگری دارند و در مجموع نوع مطالبات آنها متنوع‌تر و گسترده‌تر می‌باشد. به باور گیدنز فرد در این فضا مدام شاهد پویایی و تحرک بی‌سابقه است و دنیای خود را مورد بازاندیشی قرار می‌دهد و یکی از پیامدهای همین بازاندیشی، شکل‌گیری مطالبات جدید در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. پس از آنکه خواسته‌ها و مطالبات افراد متراکم شد، دولت‌ها دو رویکرد کلی در پیش رو دارند: اول آنکه از کنار خواسته‌ها و مطالبات بگذرند و توجه خاصی به آنها نداشته باشند. رویکرد دوم این است که برای مطالبات و خواسته‌ها اصالت قائل شده و تلاش کنند که به صورت منطقی به آنها پاسخ بدهند. این پاسخ منطقی به رسمیت شناختن خواسته‌ها و پیدا کردن راه‌حل و سازوکار منطقی برای تحقق آنها است.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر اساس نظریه بازاندیشی گیدنز و نظریه عدم تایید انتظار می‌باشد. مطابق نظریه گیدنز، دوران مدرن با خاصیت بازاندیشی مشخص می‌شود و افراد در تمامی ابعاد زندگی و از جمله در خود بازاندیشی، بازاندیشی می‌کنند. بازاندیشی سرچشمه ظهور مطالبات نوین می‌باشد که در سایه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی سربرآورده‌اند. نظریه دوم، معتقد است که افراد با انجام مقایسه‌های

^۱ Collins

اجتماعی، شرایط جامعه خود را با سایرین مقایسه می کنند و عدم تایید انتظارات آنها می تواند به نارضایتی و مطالبه گری آنها منجر شود.

نظریه بازاندیشی گیدنز

دیویی^۱ به عنوان اولین کسی که مفهوم بازاندیشی را مطرح ساخته است، بازاندیشی را ملاحظه دقیق، فعال و مداوم هر عقیده یا شکل مفروض دانش می داند (رحیمی و حقانی، ۱۳۹۶: ۱۶). سایر پژوهشگران حوزه بازاندیشی نیز بازاندیشی را یک فرایند تفکر خاص و در قالب پرسشگری، تفکر، آزمایش و امتحان، بررسی و سنجش، پردازش ذهنی یا تجزیه و تحلیل تعریف کرده اند که البته تمام این موارد جزء فعالیت های شناختی هستند (نوبین^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). در دوران اخیر گیدنز از جمله متفکرینی می باشند که به نقش بازاندیشی و تأمل و معرفت در زندگی مدرن پرداخته است. گیدنز مشخصه کلیدی جوامع جدید را بازاندیشی می داند. در جوامع پیشامدرن غالباً سنت رفتار روزمره را هدایت می کرد. یعنی، مرجعیت اعمال پیشین تعیین کننده رفتار بود. در حالی که در جوامع مدرن اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می گیرد (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۹۳). فرد در جهان کنونی، به کمک تکنیک های گوناگون، فرصت های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می کند. در چنین شرایطی است که خود به پروژه ای بازاندیشانه تبدیل می شود؛ پروژه ای که از آن طریق، خود در سطح فرد، بازاندیشانه و تغییردهنده می شود.

گیدنز معتقد است که بازاندیشی در زندگی اجتماعی دربرگیرنده این واقعیت است که کارکردهای افراد پیوسته بازسنجی می شوند؛ یعنی با اصلاح به وسیله داده های تازه، ویژگی های آن به گونه اساسی دگرگون می شود. گیدنز بر این باور است که در جامعه مدرن، انسان ها با آفرینش و اصلاح هویت خود، چه بودن و چگونه این شدن خود را پیوسته بازنگری می کنند. همه صورت های زندگی، کم و بیش، با دانشی که کنشگران از این صورت ها دارند، ساخته می شود و از دید گیدنز، بازاندیشی مدرنیت با تولید پیوسته خودشناسی پی درپی ارتباطی مستقیم دارد. از نظر گیدنز ویژگی مدرنیت نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است که البته خود بازاندیشی را نیز دربر می گیرد. این بازاندیشی تحت تأثیر چهار عامل قرار می گیرد: نخست، قدرت است؛ قدرت، محقق دانش را در خدمت منافع گروهی قرار می دهد؛ دوم، به نقش ارزش ها باز می گردد؛ ارزش ها مبنای عقلانی ندارند و هر تغییری مبتنی بر بازاندیشی، تحت تأثیر ارزش ها نیز قرار می گیرد؛ سوم، پیامدهای ناخواسته است؛ بازاندیشی جهان مدرن، امکان مسدود شدن پیامدهای ناخواسته را از بین برده و هر زمان احتمال وقوع آنها وجود دارد؛ چهارم، گردش دانش اجتماعی است؛ دانشی که به گونه ای بازاندیشانه در شرایط بازتولید نظام به کار بسته می شود (افراسیابی و خرمپور، ۱۳۹۴: ۲۸).

گسترش شبکه های اجتماعی، پست الکترونیکی و اینترنت بر دگرگون شدن دیدگاه های و ارزش های افراد اثر گذاشته اند. تعامل بین جهانی شدن فرهنگی و جهانی شدن فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی موجب تحول در ارکان فرهنگی جوامع و بازاندیشی در آنها توسط اعضای جوامع مختلف شده است. بسیاری از ایده های جهانی همچون برابری، حقوق بشر،

¹ Dewey

² Nguyen

سوسیالیسم، دموکراسی و مانند آنها از این طریق وارد جوامع گوناگون می‌شوند. این بازاندیشی موجب تحول در ابعاد هویت اجتماعی مردم گردیده است به نحوی که افراد به بازسازی هویت خویش (به طریق بازاندیشانه) دست زده و هویت سنتی آنها به فراخور تأثیرات جریانات جهانی شدن و میزان نفوذ در جوامع مختلف دگرگون گشته است. امروزه ما با پدید جدیدی روبه‌رو هستیم که از آن تحت عنوان هویت‌های فرهنگی چندگانه یاد می‌شود. با جهانی شدن فرهنگی ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پایدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته‌رفته به صورت شبکه واحدی از روابط اجتماعی در می‌آید، و در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود، فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هویت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. در واقع، جهانی شدن فرهنگی موجب تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و شخصیتی و همچنین در روابط اجتماعی می‌شود. به طور کلی، جهانی شدن فرهنگ، پیامد فرایند نوگرایی به شمار می‌آید و یکی از ویژگی‌های اساسی این پدیده که پایه تحرک و پویایی آن به شمار می‌آید، بازاندیشی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. بر پایه بازاندیشی، مطالبات سیاسی افراد دائماً مورد بازاندیشی قرار می‌گیرد و نوع پاسخگویی و مواجهه دولت‌ها با این مطالبات، می‌تواند سرنوشت جامعه را دچار تغییر نماید.

تئوری عدم تایید انتظار

نظریه عدم تایید انتظارات از چهار جزء اصلی برخوردار است: انتظارات، عملکرد استنباط شده، عدم تایید و رضایت افراد (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۶: ۶۷). فرض اصلی این نظریه آن است که رضایت حاصل شده برای افراد، حاصل مقایسه انتظارات و ادراک از عملکرد است و به اندازه و جهت عدم تایید آن بستگی دارد. در این الگو، اگر عملکرد متناظر با سطح انتظارات باشد، تجربه فرد، تاییدکننده انتظارات است، اما اگر عملکرد کمتر از سطح انتظارات باشد، فرد، عدم تایید منفی انتظارات را تجربه می‌کند. سرانجام در صورتی که عملکرد بالاتر از سطح انتظارات باشد، فرد عدم تایید مثبت انتظارات را تجربه خواهد کرد. در گذشته تصور بر آن بود که رضایت حاصل انتظارات و عدم تایید آن است، یعنی جهت مثبت و منفی آن مورد نظر بوده است. تحقیقات انجام شده اخیر نشان داده است که عدم تایید می‌تواند تابعی منفی از انتظارات و تابعی مثبت از عملکرد استنباط شده باشد و عملکرد استنباط شده به طور مثبت متاثر از انتظار است. از جهت دیگر، سطح انتظارات در بین افراد مختلف متفاوت است، زیرا انتظارات می‌توانند ماهیت هنجاری داشته باشند، یعنی هر فرد، انتظارات خاصی داشته باشد (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۶: ۶۸). مطابق این رویکرد نظری، افراد در فضای شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌های متفاوتی از نظام‌های سیاسی مواجه می‌شوند و در صورتی که در مقایسه بین شرایط موجود و شرایط سایر جوامع، تفاوت قابل توجهی احساس کنند، منبعی از ناراضی برای آنها حاصل و مطالبات آنها نیز انباشته می‌شود.

شود. وجود این مقایسه‌ها به عنوان منبعی دائمی از بازتولید مطالبات و تلاش به منظور برآورده شدن آنها در افراد شکل می‌گیرد.

فرضیه تحقیق

- چه رابطه‌ای بین میزان فعالیت کاربران در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام و مطالبات سیاسی آنها در شهرهای تهران و قم وجود دارد؟

روش شناسی پژوهش

در این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی (کیفی و کمی) استفاده شده است. بدین صورت که در مرحله اول از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری ادبیات نظری موضوع و در مرحله دوم از روش پیمایش به منظور جمع‌آوری اطلاعات بخش میدانی استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که اعتبار آن از به روش صوری با استفاده از نظرات نخبگان و صاحب نظران تعیین شده است و پایایی آن از طریق آلفای کرباخ محاسبه شده است. تعداد نمونه تحقیق نیز ۷۶۸ نفر در نظر گرفته شده است که در دو شهر تهران و قم، این تعداد انتخاب شده‌اند.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش

مطالبات سیاسی

* تعریف نظری

مطالبه خواسته‌ای آگاهانه است که از یک نیاز برمی‌خیزد و از سوی افراد جامعه در قبال خود، خانواده و جامعه درخواست می‌گردد. وقتی این مطالبه شکل سیاسی به خود می‌گیرد که افراد زیادی، گروه‌های حقیقی، حقوقی و در سطح وسیع، طرح و با یک هویت جمعی آمیخته شود، می‌توان به آن مطالبه سیاسی اطلاق نمود. به عبارت دیگر مطالبه سیاسی حق شهروندی است که هر فرد به عنوان عضوی از جامعه انتظار آن را دارد و به عنوان احقاق منزلت سیاسی‌اش، آن را خواهان است (سیدمن، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

* تعریف عملیاتی

مطالبات سیاسی توسط گویه‌های زیر سنجیده خواهد شد:

| متغیر | گویه | سطح سنجش |
|------------------|---|----------|
| مطالبات سیاسی | وجود احزاب متعدد با دیدگاه‌ها و عقاید مختلف، برای کشور ما امری واجب و ضروری است. | ترتیبی |
| | به نظر من، حتی مخالفین نظام هم، باید حق انتخاب شدن و دخالت در سرنوشت خویش را داشته باشند. | ترتیبی |
| | این حق شهروندان است که بتوانند تحصن و گردهمایی‌های آرامی را در اعتراض به برخی امور، برگزار کنند. | ترتیبی |
| | کشور ما نیازمند مطبوعات و رسانه‌های مستقل از دولت است تا بتوانند آزادانه دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. | ترتیبی |
| | باید از طریق بحث‌های سیاسی و نقد دولت در زمینه‌های مختلف، عملکرد دولت را بررسی کرد. | ترتیبی |
| | لازم است که آزادی‌های بیشتری به زنان اعطا شود و از اعمال تبعیض و محدودیت علیه آنان خودداری کرد. | ترتیبی |
| | دولت باید در هر زمینه‌ای که مردم مایل باشند، حاضر به پاسخگویی باشد. | ترتیبی |

استفاده از شبکه اجتماعی

*تعریف مفهومی

استفاده از شبکه اجتماعی به معنای میزان درگیری و تعامل کاربران در شبکه‌های اجتماعی می‌باشد (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

*تعریف عملیاتی

استفاده از شبکه اجتماعی مجازی از طریق گویه‌های زیر سنجیده شده است:

- مدت استفاده از شبکه اجتماعی: این گویه بر حسب تعداد سال‌هایی که از عضویت فرد در شبکه اجتماعی می‌گذرد، سنجیده می‌شود.
- میزان استفاده از شبکه اجتماعی در شبانه روز: این گویه بر حسب تعداد ساعات شبانه‌روز که کاربر به فعالیت در شبکه اجتماعی اختصاص می‌دهد، سنجیده می‌شود (خوش‌فر و میرزاخانی، ۱۳۹۷: ۱۶).
- میزان فعالیت در شبکه اجتماعی در شبانه روز: میزان فعالیت کاربر در شبکه اجتماعی شامل موارد ذیل خواهد بود:

۱. تعداد پست ارسالی کاربر در شبکه اجتماعی
۲. تعداد پست‌های فوروارد شده برای دیگر کاربران
۳. تعداد مطالعه یا تماشای پست در طول شبانه روز
۴. تعداد کامنت‌های فرد یا پاسخ‌های فرد در شبکه اجتماعی در طول شبانه روز
۵. میانگین تعداد ارسال تایید و عدم تایید به پست‌های منتشر شده در شبکه اجتماعی در طول شبانه‌روز

یافته های تحقیق

در این بخش مهمترین یافته های تحقیق ارائه می شوند:

مطالبات سیاسی

توزیع وضعیت پاسخگویان بر حسب میزان مطالبات سیاسی آنها در جدول زیر نشان داده شده است:

| میزان مطالبات سیاسی کاربران | فراوانی | درصد |
|-----------------------------|---------|------|
| متوسط | ۳۸ | ۴.۹ |
| زیاد | ۲۱۸ | ۲۸.۴ |
| خیلی زیاد | ۵۱۲ | ۶۶.۷ |
| جمع کل | ۷۶۸ | ۱۰۰ |

میزان مطالبات سیاسی ۴.۹ درصد از پاسخگویان در حد متوسط، ۲۸.۴ درصد در حد زیاد و ۶۶.۷ درصد در حد خیلی زیاد می باشد. بنابراین بیشتر پاسخگویان (نما) دارای مطالبات سیاسی خیلی زیاد می باشند. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به گویه های شاخص مطالبات سیاسی در جدول زیر نشان داده شده است:

| گویه | کاملاً موافق | موافق | تاحدی موافق | مخالف | کاملاً مخالف |
|--|--------------|-------|-------------|-------|--------------|
| ۱. وجود احزاب متعدد با دیدگاهها و عقاید مختلف، برای کشور ما امری واجب و ضروری است. | ۶۸ | ۲۱.۱ | ۰ | ۱۰.۹ | ۰ |
| ۲. به نظر من، حتی مخالفین نظام هم، باید حق انتخاب شدن و دخالت در سرنوشت خویش را داشته باشند. | ۳۲.۸ | ۱۶ | ۳۵.۴ | ۱۵.۸ | ۰ |
| ۳. این حق شهروندان است که بتوانند تحصن و گردهمایی های آرامی را در اعتراض به برخی امور، برگزار کنند. | ۴۵.۲ | ۲۶.۶ | ۱۹.۵ | ۸.۷ | ۰ |
| ۴. کشور ما نیازمند مطبوعات و رسانه های مستقل از دولت است تا بتوانند آزادانه دیدگاه های خود را مطرح کنند. | ۵۳.۳ | ۱۵.۸ | ۲۵.۵ | ۵.۵ | ۰ |
| ۵. باید از طریق بحث های سیاسی و نقد دولت در زمینه های مختلف، عملکرد دولت را بررسی کرد. | ۵۳.۶ | ۳۱.۱ | ۹.۸ | ۵.۵ | ۰ |
| ۶. لازم است که آزادی های بیشتری به زنان اعطا شود و از اعمال تبعیض و محدودیت علیه آنان خودداری کرد. | ۳۴.۶ | ۲۷.۲ | ۲۵.۹ | ۳.۳ | ۹ |
| ۷. دولت باید در هر زمینه ای که مردم مایل باشند، حاضر به پاسخگویی باشد. | ۶۳.۹ | ۲۰.۸ | ۴.۸ | ۱۰.۴ | ۰ |

میزان فعالیت در شبکه های اجتماعی

توزیع در صد فراوانی پاسخگویان، بر حسب میزان مطالعه فعالیت آنها در شبکه‌های اجتماعی، در جدول زیر نشان داده شده است:

| میزان فعالیت در شبکه های اجتماعی | فراوانی | درصد |
|----------------------------------|---------|------|
| کم | ۴۳۱ | ۵۷ |
| متوسط | ۳۲۱ | ۴۱.۸ |
| زیاد | ۹ | ۱.۲ |
| جمع کل | ۷۶۱ | ۱۰۰ |

میزان فعالیت ۵۷ درصد از پاسخگویان در شبکه‌های اجتماعی در حد کم، ۴۱.۸ درصد در حد متوسط و ۱.۲ درصد در حد زیاد می‌باشد. بنابراین میزان فعالیت بیشتر پاسخگویان در شبکه‌های اجتماعی در حد کم می‌کنند.

آزمون فرضیه تحقیق

به منظور تعیین آزمون آماری مناسب، ابتدا در خصوص نرمال بودن توزیع داده‌ها بایستی اطمینان حاصل نماییم و سپس از آزمون‌های آماری مقتضی استفاده نماییم. به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون آماری کالماگروف-اسمیرنوف استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است:

| متغیر | میزان آماره k-s | سطح معناداری |
|-----------------------------|-----------------|--------------|
| مطالبات سیاسی | ۰.۱۴۴ | ۰.۰۰۰ |
| استفاده از شبکه‌های اجتماعی | ۰.۱۲۴ | ۰.۰۰۰ |

بر اساس اطلاعات جدول فوق، با توجه به اینکه سطح معناداری مشاهده شده، کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که توزیع داده‌ها نرمال نمی‌باشد. به همین دلیل، جهت آزمون فرضیه تحقیق از آزمون‌های ناپارامتریک بایستی استفاده نماییم. با توجه به اینکه متغیر وابسته و مستقل در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده می‌کنیم (ساعتی، ۱۳۷۷ و دواس، ۱۳۸۱).

فرضیه: بین استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام و مطالبات سیاسی آنها در شهرهای تهران و قم رابطه معناداری وجود دارد.

| مطالبات سیاسی | | متغیر مستقل |
|---------------|-------|-------------------------------------|
| سطح معناداری | r_s | |
| ۰.۰۰۰ | ۰.۵۹ | استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی |

بین میزان استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی در طول شبانه روز و مطالبات سیاسی آنها رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد و میزان r_s (اسپیرومن) ۰.۵۹ می‌باشد که نمایانگر رابطه مستقیم و در حد متوسط می‌باشد. به عبارت دیگر، هر چه میزان استفاده افراد از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، میزان مطالبات سیاسی آنها نیز بیشتر خواهد بود و برعکس.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش رابطه بین فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و مطالبات سیاسی کاربران مورد بررسی قرار گرفت. شبکه‌های اجتماعی از طریق در اختیار گذاشتن انبوهی از اطلاعات برای افراد، آنها را بر سر دوراهی‌های متفاوتی قرار می‌دهند که می‌تواند نظام سیاسی جوامع را با چالش‌های جدی مواجه نماید. از طرفی به واسطه مقایسه‌های اجتماعی بین جوامع محلی و سایر جوامع، بخش قابل توجهی از مطالبات در افراد شکل می‌گیرد که نظام سیاسی مسئول پاسخگویی به نیازها و مطالبات افراد می‌باشد و از سوی دیگر، افراد به منظور یافتن پاسخی برای این مطالبات، اقدام به کنشگری سیاسی می‌نمایند که می‌تواند به دو صورت کنشگری متعارف و غیرمتعارف باشد و نوع دوم آن برای هر نظام سیاسی دارای هزینه‌های فراوانی می‌باشد و تمامی تلاش سیستم‌ها آن است که مطالبات افراد از طریق کنشگری متعارف دنبال شود. میزان رضایت حاصل شده در افراد که بر اثر رفع نیازها و مطالبات آنها شکل می‌گیرد، آینده نظام‌های سیاسی را می‌تواند دچار تغییر نماید و به همین دلیل رهبران سیاسی و سیاستگذاران تلاش می‌نمایند تا از طریق نظارت بر شبکه‌های اجتماعی و هدایت محتوای آنها، به مطالبات جامعه سمت و سوی خاص بخشند و آنها را در کانال‌های مشخصی هدایت نمایند.

رشد روزافزون شبکه‌های اجتماعی، سربرآوردن گروه‌های اجتماعی جدید و شکل‌گیری هویت‌های تازه در فضای مجازی، باعث شده تا تفسیر و درخواست‌های افراد از دنیای اطراف در قالب‌های متفاوتی شکل

بگیرد و افراد تصور متفاوتی از جهان اجتماعی و سیاسی خود داشته باشند، با معیارها و خط‌مشی‌های متفاوتی آن را ارزیابی می‌کنند، خواست‌ها و آرزوهای دیگری را مدنظر داشته باشند و در مجموع نوع مطالبات آنها متنوع‌تر و گسترده‌تر شود. شاید بتوان آن را به تعبیر گیدنز، همان بازاندیشی در مطالبات و خواسته‌های افراد دانست که مدام صورت می‌گیرد و می‌تواند نوع کنش‌های سیاسی افراد را تعیین نماید. طرح مطالب متنوع و گوناگون در شبکه‌های اجتماعی، انتشار اخبار متعدد سیاسی و اجتماعی، بازنشر اخبار در خصوص مسئولین و مقامات سیاسی و ... از جمله عواملی هستند که به بازاندیشی کاربران کمک می‌نمایند و در پاسخ به شرایط پیش رو، آنها مطالبات خود را بازاندیشی می‌نمایند. به همین دلیل است که در مقاطعی خاص، برخی مطالبات برجسته می‌شود و برخی مطالبات به حاشیه رانده می‌شود. در واقع ارتباط تنگاتنگ فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و سطح مطالبات افراد کاملاً مشخص است و این پژوهش نیز نشان داد که با افزایش سطح فعالیت افراد در شبکه‌های اجتماعی، میزان مطالبات آنها نیز افزایش پیدا می‌کند.

پیشنهادها و راهکارها

- وزارت کشور لازم است نسبت به تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی با سعه صدر رفتار نماید و مجوزهای لازم را در این خصوص اعطا نماید
- در انتخابات مختلف، لازم نمایندگان گروه‌های مختلف مردم حضور داشته باشند تا مردم به مشارکت بیشتر ترغیب شوند
- اعطای مجوز به منظور برگزاری گردهمایی‌های آرام یکی از حقوق اساسی شهروندان است که وزارت کشور بایستی در خصوص اعطای مجوز و در نظر گرفتن مکانی خاص برای این نوع گردهمایی‌ها، اقدامات لازم را انجام دهد
- رسانه ملی لازم است نسبت به برگزاری هم‌اندیشی، میزگرد و بحث‌های گروهی در خصوص مسایل روز جامعه اقدام نماید تا شهروندان بتوانند نسبت به پاسخگویی دولت امیدوارتر باشند
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و قوه قضاییه بایستی در خصوص روزنامه‌های منتقد بازنگری نمایند و از طریق اجازه دادن به این روزنامه‌ها، زمینه نقد سازنده را در جامعه فراهم سازند.

- تلاش دولت به منظور اعطای آزادی‌های لازم به زنان یکی از مطالبات آنها می‌باشد که لازم است از طریق تدوین منشور حقوق زنان به برخی از مهمترین این مطالبات پاسخ داده شود
- در نظر گرفتن سخنگو برای هر یک از وزارتخانه‌ها به منظور پاسخگویی به ابهامات و سوالات شهروندان، می‌تواند شهروندان را نسبت به پاسخگویی دولت امیدوار نماید و رضایت آنها را افزایش دهد.

- پرهیز از فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و تلاش به منظور رفع فیلتر این شبکه‌ها

منابع

۱. اختیاری، مریم (۱۳۹۱) بررسی مفهوم‌های خواست و نیاز انسان در روان‌شناسی و تاثیر آنها بر معماری، نشریه صفا، دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شماره ۵۷
۲. افراسیابی، حسین و خرم پور، یاسین (۱۳۹۴) مطالعه بازانديشي اجتماعي در ميان جوانان شهر يزد، مجله جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۵۹، پاییز.
۳. خوش‌فر، غلامرضا و میرزاخانی، شهریانو (۱۳۹۷) چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌ها و عوامل، فصلنامه رسانه، سال بیست و نهم، شماره ۴.
۴. رابینز، استیون (۱۴۰۰) مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۵. رحیمی، معصومه و حقانی، فریبا (۱۳۹۶) بازانديشي در آموزش پزشکی: مروری بر مفاهیم، مدل‌ها، اصول و روش‌های تدریس بازانديشي، فصلنامه پژوهش در آموزش علوم پزشکی، دوره نهم، شماره ۲، تابستان.
۶. رنجبریان، بهرام و زاهدی، محمد (۱۳۸۶) بررسی اثرات تکرار سفر به اصفهان بر میزان رضایت گردشگران خارجی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره نهم، پاییز و زمستان
۷. سیدمن، استیون (۱۳۹۵) کشاکش آرا در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ ششم، تهران، نشر نی.
۸. عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۰) تاثیر اینترنت بر هویت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. کاظم زاده، علی (۱۳۹۶) حقوق سیاسی مردم در اعمال نظارت بر دولت، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۴۱، زمستان.

۱۰. میرحسینی، بیدا؛ آقاجانی، حسین و حبیب پور گتایی، کرم (۱۳۹۸) مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره هفتم، شماره ۱، بهار و تابستان.

1. Ahmad ,Taufiq and Ittefaq, Muhammad(2019)The Use of Social Media on Political Participation Among University Students: An Analysis of Survey Results From Rural Pakistan, July 2019, SAGE Open 9(3):1-9
2. Jost ,John T; Barberá ,Pablo ; Bonneau ,Richard and Langer ,Melanie(2018) How Social Media Facilitates Political Protest: Information, Motivation, and Social Networks: Social Media and Political Protest, Political Psychology 39(11):85-118,DOI:10.1111/pops.12478, February 2018
3. Kim, J. and Kim, Y. (2021), "What publics do online matters: Internet use and political information behaviors", Online Information Review, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/OIR-07-2020-0312>
4. Leticia Bode, Emily K. Vraga, Porismita Borah, Dhavan V. Shah (2014)A New Space for Political Behavior: Political Social Networking and its Democratic Consequences, Journal of Computer-Mediated Communication, Volume 19, Issue 3, 1 April 2014, Pages 414–429, <https://doi.org/10.1111/jcc4.12048>
5. Nguyen QD, Fernandez N, Karsenti T, Charlin B. What is reflection? A conceptual analysis of major definitions and a proposal of a five-component model. Medical education 2014; 48 (12): 1176-89. [DOI:10.1111/medu.12583]
6. Zomer, Fleur Lonneke(2022) The Influence of using the Internet on Citizens' Participation in Politics, Management, Society and Technology (BSc) University of Twente Enschede, The Netherlands.
7. Zumárraga-Espinosa, M. (2020). Social network sites and political protest: an analysis of the moderating role of socioeconomic status and political group membership. Doxa Comunicación, 30, pp. 55-77.